



Legal Pathology of Dealing with Cases of Petroleum Products Smuggling in the Light of the Right to Litigation

Arian Petoft¹, Hamed Kaviani^{2*}

1. Medical Ethics and Law Research Center and Biological Technologies Law Department, Shahid Beheshti University of Medical Sciences, Tehran, Iran.
<https://orcid.org/0000-0001-7491-9632>

2. Department of Public Law, Islamic Azad University, Science and Research Branch, Tehran, Iran.
<https://orcid.org/0009-0006-9768-3259>

ABSTRACT

Background and Aim: Oil and its products are the most important financial source and the axis of economic rotation of our country. Therefore, in the current laws and regulations, a strict mechanism is provided to deal with any supply, sale and export of subsidized petroleum products from the domestic quota. Although this is very important in order to protect the public interest, it is necessary to have special protection mechanisms in laws provided by legislators to guarantee the individual rights of people accused of such crimes in order to properly defend their rights and benefit from a fair trial system. This is despite the fact that the current state of proceedings in cases of petroleum products smuggling has many weaknesses, shortcomings and problems in terms of norms and functional procedures, which rightfully causes significant damage to the prosecution of the accused in this regard. Therefore, this article aims to answer this important question: what legal damages exist in this specialized judicial system and what solutions could be suggested to correct and solve them?

Method: This research is theoretical; its method is descriptive and analytical. The method of collecting information is in the form of a library, referring to documents, books and articles.

Ethical Considerations: In all stages of writing the present research, while respecting the originality of the texts, honesty and trustworthiness have been observed.

Results: In the current legal system of our country, the proceedings of petroleum product smuggling cases follow a special process, which consists of administrative proceedings, criminal proceedings, quasi-criminal proceedings and administrative proceedings, each one with shortcomings and defects.

Conclusion: Generally, we found that it is necessary to maintain the position of the "Nature Determination Working Group" as an expert authority and to strengthen the research mechanisms of the government penal judge by referring the matter to the expert of the alternative Working Group or the official expert of the judiciary. We suggested changing the composition of the Tazirat's special branches in which judicial officials to be member; In addition to these, it is necessary to accept the complaints of the beneficiaries from the opinions of the Working Group in the branches of the Administrative Court of Justice as a judicial appeal mechanism.

Keywords: Right to Litigation; Smuggling; Petroleum Products; Legal Pathology; Tazirat

Corresponding Author: Hamed Kaviani; **Email:** Kaviani.hamed@gmail.com

Received: August 02, 2022; **Accepted:** December 11, 2022; **Published Online:**



انجمن علمی حقوق پزشکی ایران

ویژه نامه تحولات حقوقی



انجمن علمی حقوق پزشکی ایران

آسیب شناسی حقوقی رسیدگی به پرونده های قاچاق فرآورده های نفتی در پرتو حق بر دادخواهی

آرین پتفت^۱، حامد کاویانی^{۲*}۱. مرکز تحقیقات اخلاق و حقوق پزشکی و گروه حقوق فناوری های زیستی، دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی، تهران، ایران. <https://orcid.org/0000-0001-7491-9632>۲. گروه حقوق عمومی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات، تهران، ایران. <https://orcid.org/0009-0006-9768-3259>

چکیده

زمینه و هدف: نفت و فرآورده های نفتی، مهم ترین منبع مالی و محور چرخش اقتصادی کشورمان است. از این رو در قوانین و مقررات کنونی، سازوکار سخت گیرانه ای جهت برخورد با هرگونه عرضه، فروش و صادرات فرآورده های نفتی یارانه ای از سهمیه داخل کشور پیش بینی شده است، اگرچه این امر در راستای حفظ منافع عمومی بسیار حائز اهمیت است، اما لازم است که سازوکارهای حمایتی ویژه ای نیز برای تضمین حقوق فردی افراد در مظان اتهام این گونه جرائم به منظور دفاع مناسب از حقوق خود و بهره مندی از نظام دادرسی منصفانه توسط قانونگذار در نظر گرفته شده باشند. این در حالی است که وضعیت کنونی دادرسی پرونده های قاچاق فرآورده های نفتی از حیث هنجاری و رویه ای عملکردی، نقاط ضعف، کاستی ها و اشکالات متعددی دارد که به حق بر دادخواهی متهم در این رابطه صدمات به سزایی وارد می آورد، لذا مقاله حاضر درصدد پاسخ به این سؤال مهم برمی آید که چه آسیب های حقوقی در این نظام دادرسی تخصصی وجود داشته و چه راهکارهایی برای اصلاح و ترمیم آن ها می توان پیشنهاد نمود؟

روش: این تحقیق از نوع نظری بوده و روش تحقیق به صورت توصیفی - تحلیلی می باشد و روش جمع آوری اطلاعات به صورت کتابخانه ای است و با مراجعه به اسناد، کتب و مقالات صورت گرفته است.

ملاحظات اخلاقی: در تمام مراحل نگارش پژوهش حاضر ضمن رعایت اصالت متون، صداقت و امانتداری رعایت شده است.

یافته ها: در نظم حقوقی کنونی کشورمان، دادرسی پرونده های قاچاق فرآورده های نفتی از فرآیند خاصی تبعیت می کند که رسیدگی اداری، دادرسی کیفری، رسیدگی شبه کیفری و دادرسی اداری، ساختار آن را تشکیل می دهند و هر یک دارای کاستی ها و نقایصی است.

نتیجه گیری: به طور کلی در مقاله حاضر دریافتیم که لازم است جایگاه کارگروه تعیین ماهیت در حد مرجع کارشناسی حفظ شده و سازوکارهای تحقیق دادرسی تعزیرات حکومتی به طریق ارجاع موضوع به کارشناسی کارگروه جایگزین و یا کارشناسی رسمی دادگستری تقویت گردد. همچنین ترکیب شعب ویژه تعزیرات حکومتی تغییر کرده و از میان مقامات قضایی تشکیل شوند، افزون بر این ها لازم است شکایات ذی نفعان از نظریات اعلامی کارگروه در شعب دیوان عدالت اداری به عنوان سازوکار فرجام خواهی قضایی پذیرفته شود.

واژگان کلیدی: حق بر دادخواهی، قاچاق، فرآورده نفتی، آسیب شناسی حقوقی، تعزیرات حکومتی

نویسنده مسئول: حامد کاویانی؛ پست الکترونیک: Kaviani.hamed@gmail.com

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۵/۱۱؛ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۹/۲۰؛ تاریخ انتشار:

مقدمه

به جرأت می‌توان مهم‌ترین منبع مالی و محور چرخش اقتصادی کشورمان را نفت و فرآورده‌های نفتی عنوان نمود (۱). مدیریت توزیع و تخصیص مواد نفتی یارانه‌ای و مراودات تجاری در رابطه با آن، در انحصار دولت قرار داشته، اما صنعت پالایش و پتروشیمی حسب سیاست‌های کلی خصوصی‌سازی ملهم از اصل ۴۴ قانون اساسی به طور روزافزونی به بخش خصوصی و بازیگران اقتصادی آن واگذار شده است (۲-۳). از این رو هرگونه عرضه، فروش و صادرات فرآورده‌های نفتی یارانه‌ای از سهمیه داخل کشور تحت هر عنوان در نقاط مرزی ممنوع است؛ به حکم ماده ۴ قانون اساسنامه شرکت ملی نفت ایران مصوب ۱۳۵۶ هرگونه عملیات به منظور عرضه کردن نفت و فرآورده‌های نفتی و حمل و نقل و صدور و فروش مواد مزبور در داخل و خارج کشور، منحصراً به عهده شرکت ملی نفت ایران گذارده شده است. از آنجا که این موضوع نقش حیاتی در چرخه اقتصادی کشور داشته و تخطی افسارگسیخته از آن می‌تواند صدمات جبران‌ناپذیر به برنامه‌های کلان اقتصادی کشور در استفاده از ثروت‌ها و منابع ملی وارد آورد، لذا قانونگذار با جرم‌انگاری هر گونه فعل یا ترک فعل موجب قاچاق مواد نفتی یارانه‌ای در قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز، مجازات‌های قانونی سخت‌گیرانه‌ای را نسبت به آن پیش‌بینی کرده است که در نظام‌های حقوقی کشور نیز چنین برخوردهای قانونی، امر معمول و متداولی می‌باشد (۴).

با این حال، همانطور که با دغدغه حفظ منافع عمومی، ضمانت اجرای سختی نسبت به قاچاق فرآورده‌های نفتی یارانه‌ای پیش‌بینی می‌شود (۵)، لازم است که سازوکارهای حمایتی ویژه‌ای از حقوق فردی افراد در مظان اتهام این‌گونه جرائم به منظور دفاع مناسب از حقوق خود و بهره‌مندی از نظام دادرسی منصفانه به خوبی ایجاد شده باشند (۶). این در حالی است که وضعیت کنونی دادرسی پرونده‌های قاچاق فرآورده‌های نفتی از حیث هنجاری و رویه‌ای عملکردی، نقاط ضعف، کاستی‌ها و اشکالات متعددی دارد که به حق بر دادخواهی متهم در این رابطه صدمات به سزایی وارد می‌آورد،

لذا مقاله حاضر با هدف بهینه‌سازی و اصلاح نظام دادرسی پرونده‌های قاچاق فرآورده‌های نفتی در جهت تحکیم بنیان‌های انصاف در رسیدگی به این پرونده‌ها و تضمین حق بر دادخواهی متهم در صدد پاسخ به این سؤال مهم برمی‌آید که چه آسیب‌های حقوقی در این نظام دادرسی تخصصی وجود داشته و چه راهکارهایی برای اصلاح و ترمیم آن‌ها می‌توان پیشنهاد نمود؟ در راستای پاسخ به این سؤال، تلاش می‌شود که گام به گام فرآیند دادرسی این‌گونه پرونده‌ها تبیین و بررسی شده و با آسیب‌شناسی حقوقی هر مرحله، سازوکارهای بهبود وضعیت موجود پیشنهاد شود. شایان ذکر است که در نظم حقوقی کنونی کشورمان، دادرسی پرونده‌های قاچاق فرآورده‌های نفتی از فرآیند خاصی تبعیت می‌کند که رسیدگی اداری، دادرسی کیفری، رسیدگی شبه کیفری و دادرسی اداری، ساختار آن را به قرار ذیل تشکیل می‌دهند و ساماندهی پژوهش مقاله حاضر بر مبنای همین فرآیند شکل گرفته است:



روش

این تحقیق از نوع نظری بوده و روش تحقیق به صورت توصیفی - تحلیلی می‌باشد. و روش جمع‌آوری اطلاعات به صورت کتابخانه‌ای است و با مراجعه به اسناد، کتب و مقالات صورت گرفته است.

یافته‌ها

در نظم حقوقی کنونی کشورمان، دادرسی پرونده‌های قاچاق فرآورده‌های نفتی از فرآیند خاصی تبعیت می‌کند که رسیدگی اداری، دادرسی کیفری، رسیدگی شبه کیفری و دادرسی اداری، ساختار آن را تشکیل می‌دهند و هر یک دارای کاستی‌ها و نقایصی است.

بحث

۱. رسیدگی اداری: تبیین ساختار، وظایف و ماهیت

کارگروه: کلیه محموله‌های نفتی در کشور برای بررسی وجود یا عدم وجود مواد یارانه‌ای در آن‌ها به «کارگروه تعیین ماهیت» (از این پس: کارگروه) ارسال می‌شوند. کارگروه نهادی است که به موجب «دستورالعمل اصلاح و بهبود (ساماندهی) فرآیندهای صادرات، واردات، عبور (ترانزیت) و معاوضه (سوپ) نفت خام، میعانات گازی و فرآورده‌ها و مشتقات نفتی در امور گمرکی (اصلاحیه سال ۱۴۰۱ ش.)» (از این پس: دستورالعمل) موضوع ماده ۴۵ آیین‌نامه اجرایی مواد ۵ و ۶ قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز ایجاد شده است. بر اساس تعریفی که در فصل اول دستورالعمل بیان شده است، کارگروه، مرکب از نمایندگان سازمان ملی استاندارد ایران، وزارت نفت و وزارت صمت (صنعت، معدن و تجارت) با هدف «بررسی پرونده‌های صادراتی و اطمینان از استفاده‌نشدن فرآورده نفتی یارانه‌ای با منشأ غیر مجاز در کالای صادراتی» تشکیل می‌شود (مطابق با تعریف مندرج در فصل نخست دستورالعمل، منظور از منشأ غیر مجاز عبارتست از: «هرگونه کالا از جمله فرآورده نفتی یارانه‌ای که برخلاف ضوابط تعیینی دولت تحصیل و یا استفاده شده باشد»). بر اساس ضوابط مختلف دستورالعمل، کارگروه دارای وظایف ذیل است:

- کارشناسی و اعلام نظر فنی: کارگروه تنها مرجع رسیدگی کارشناسی و اعلام نظر فنی در خصوص تعیین ماهیت محصول صادراتی و اطمینان از استفاده‌نشدن فرآورده نفتی یارانه‌ای با منشأ غیر مجاز بوده و صرفاً نظرات اعلامی آن در مراجع رسیدگی‌کننده در خصوص فرآورده و مشتق نفتی مورد استناد خواهد بود (تبصره ۱ ماده ۲۸).

- اعلام فهرست محصولات غیر قابل اختلاط با فرآورده‌های نفتی یارانه‌ای: کارگروه ملزم است فهرست محصولات نفتی که به لحاظ ماهیت و شکل، امکان ترکیب یا اختلاط با فرآورده‌های نفتی یارانه‌ای را ندارند، اعلام نماید (تبصره ۱ ماده ۱۸). این محصولات نیازی به ارجاع به کارگروه برای اعلام نظر و نیز نیاز به کد شناسایی ندارند (ماده ۱۸).

- اعلام فهرست محصولاتی که کد شناسایی نیاز ندارند: کارگروه ملزم است فهرست محصولات نفتی خاصی که بدون نیاز به اخذ کد شناسایی امکان صادرات دارند را به گمرک ایران اعلام کند (تبصره ۳ ماده ۱۸).

- اعلام فهرست مشتقات نفتی جامد و نیمه‌جامد قابل اختلاط با فرآورده‌های نفتی یارانه‌ای: کارگروه ملزم است فهرست این‌گونه محصولات را که نیاز به دریافت کد شناسایی نداشته، اما برای اعلام نظر کارگروه ارجاع می‌شوند، به گمرک ایران اعلام نماید (تبصره ۴ ماده ۱۸).

- تبادل اطلاعات با گمرک و آزمایشگاه‌ها در قالب صرفاً الکترونیک (تبصره ۱ ماده ۲۶).

- تشخیص قابل استفاده‌بودن یا نبودن نمونه شاهد و ماهیت آن (تبصره ۵ ماده ۲۶).

- رعایت مهلت زمانی اعلام نظر: کارگروه (بدوی) باید در حداکثر ظرف ۳۰ روز کاری و در مواردی که ضرورت انجام آزمایش تکمیلی یا مجدد را تشخیص دهد، حداکثر ظرف ۴۵ روز پس از تحویل نمونه و کلیه مستندات، نظر نهایی خود را اعلام کند. (ماده ۲۷ و تبصره آن).

- اجرای وظایف ذیل (ماده ۲۸): ۱- تطبیق مشخصات کالای اظهاری با واقع از طریق بررسی نتایج نمونه‌برداری و سایر اسناد معتبر دریافتی؛ ۲- بررسی مجاز و ممکن‌بودن استفاده از هر یک از مواد اولیه ثبت‌شده در سامانه ثبت برخط معاملات در زنجیره تولید محصول صادراتی؛ ۳- تطبیق نسبت‌های ترکیب مواد اولیه ثبت‌شده در سامانه ثبت برخط معاملات با مشخصات ثبت‌شده محصول صادراتی؛ ۴- ارسال نتایج نهایی به گمرک.

- اولویت رسیدگی به پرونده‌ای که گمرک به سبب معطلی خروج محموله صادراتی در انتظار وصول جوابیه کارگروه یا محموله صادره با تضمین مأخوذه پیش از جوابیه کارگروه، اعلام کرده است (ماده ۲۹).

- استناد به اسناد معتبر: کارگروه باید صرفاً بر اساس اسناد زیر نظر نهایی خود را اعلام کند (ماده ۳۰): ۱- اظهارنامه صادراتی الکترونیکی گمرک (منضم به کد رهگیری سامانه ثبت برخط

می‌نماید (ماده ۳۸ و تبصره). در کارگروه تجدید نظر هیچ یک از اعضای کارگروه بدوی نباید حضور داشته باشند. آن‌گونه که از مفاد دستورالعمل به خوبی استنباط می‌شود، هدف از ایجاد کارگروه، کارشناسی تعیین ماهیت محموله‌های نفتی از حیث احراز وجود یا عدم وجود مواد یارانه‌ای نفتی است (۷). به اعتقاد نگارندگان، کارگروه ماهیتاً یک مرجع «اداری تشخیصی» است. «اداری» به این جهت که کارگروه مرکب از مقامات اداری (نماینده صمت، گمرک و استاندارد) بوده و دبیرخانه آن در سازمان ملی استاندارد (ادارات کل) مستقر است (فصل اول دستورالعمل: تعاریف)، لذا ماهیتاً یک نهاد اداری است. «تشخیصی» (۸) از این حیث که کارگروه به صراحت تبصره ۱ ماده ۲۸ دستورالعمل با کارویژه «کارشناسی و اعلام نظر فنی» به عنوان مرجع احراز مشابهت یا عدم مشابهت محموله صادراتی با فرآورده‌های نفتی یارانه‌ای ایفای نقش می‌کند و خود نسبت به موضوع رأی نمی‌دهد، بلکه نظر کارگروه در تشخیص ماهیت محموله از سوی گمرک اعلام شده و مورد استناد مراجع رسیدگی‌کننده به پرونده‌های قاچاق مواد یارانه‌ای یا قاچاق کالاهای ممنوع‌الصدور (حسب مورد شعب ویژه رسیدگی به قاچاق کالا و ارز سازمان تعزیرات حکومتی یا دادسرا و دادگاه انقلاب) قرار می‌گیرد، اما آنچه در این رابطه محل مناقشه و مجادله فکری است، ماهیت نظرات کارگروه می‌باشد: اینکه آیا نظر کارگروه یک «تصمیم اداری» (ایقاع اداری موردی) است یا اینکه صرفاً یک «نظریه کارشناسی» (کارشناسی اداری موردی) می‌باشد؟ در فرض نخست، قطعاً نظر کارگروه جنبه اداری اجرایی پیدا کرده و آثار آن از حیث حقوق اداری و حقوق دادرسی اداری متفاوت خواهد بود، اما در فرض دوم، نظر کارگروه فاقد جنبه اجرایی بوده و همچون دیگر نظرات کارشناسی معمول در آیین‌های دادرسی مدنی، اداری و کیفری صرفاً به علم قاضی در کشف حقیقت موضوع کمک می‌کند. به رغم اینکه دستورالعمل صراحتاً به «کارشناسی» بودن نظرات کارگروه اشاره کرده است، اما برخی نکات آن در رابطه با ماهیت نظرات این مرجع، این فرض را با ابهام و تأمل قابل توجهی همراه ساخته و

معاملات؛ ۲- نتیجه آزمون نمونه اخذشده از محموله صادراتی توسط آزمایشگاه مجاز؛ ۳- اسناد منشا صادراتی ثبت‌شده در سامانه ثبت برخط معاملات؛ ۴- فرمولاسیون، کد شناسایی به همراه شرح فرآیند تولید و کیل مصرف اعلامی از سوی کارگروه کدگذاری مندرج در سامانه مربوطه؛ ۵- تصویر آخرین پروانه بهره‌برداری معتبر واحد تولیدی تا پیش از اظهار، با قید نام محصول اظهار شده؛ ۶- نتیجه آزمون مواد اولیه خارجی ورود قطعی، ورود موقت یا عبور خارجی، استفاده‌شده در محصول صادراتی؛ ۷- نتیجه آزمون مواد اولیه تولیدشده واحدهای تولیدی داخلی یا تضمین‌شده پالایشگاه‌ها و پتروشیمی‌ها، استفاده‌شده در محصول صادراتی؛ ۸- پروانه کاربرد علامت استاندارد ملی؛ ۹- سایر اطلاعات مورد نیاز ثبت‌شده در سامانه‌های الکترونیکی.

- احتساب ضریب خطای مجاز: کارگروه در درصدهای اعلامی در خصوص میزان مشابهت محموله به مواد یارانه‌ای که عیناً معیار اقدامات بعدی و رسیدگی گمرک و سایر مراجع خواهد بود، باید ضریب خطای مجاز را محسوب نماید. (تبصره ۲ ماده ۳۱).

- نظر اعلامی کارگروه باید در قالب یکی از چهار حالت ذیل باشد (ماده ۳۱): ۱- نتیجه آزمون با اظهار صاحب کالا تطابق داشته و فرآورده نفتی یارانه‌ای با منشأ غیر مجاز در آن وجود ندارد؛ ۲- نتیجه آزمون با اظهار صاحب کالا تطابق نداشته و فرآورده نفتی یارانه‌ای با منشأ غیر مجاز در آن وجود دارد؛ ۳- اظهار صاحب کالا به جهت ارائه سند منشأ صادراتی غیر مجاز یا فقدان سند با واقع تطابق ندارد؛ ۴- نتیجه آزمون با اظهار صاحب کالا تطابق ندارد و فرآورده نفتی یارانه‌ای با منشأ غیر مجاز در آن وجود ندارد.

- رسیدگی تجدید نظر: کارگروه تجدید نظر ملزم به تشکیل جلسه و بررسی پرونده نسبت به اعتراض ذی‌نفع از رأی کارگروه بدوی بوده و در صورت نیاز آزمون تکمیلی یا مجدد اقدام و نظر قطعی خود را حداکثر ۱۵ روز کاری صادر و به گمرک و مرجع رسیدگی‌کننده ابلاغ می‌نماید؛ اگر کارگروه تجدید نظر زمان بیشتری برای رسیدگی لازم بداند اعلام

نشانگر اینست که کارگروه تصمیم اداری اتخاذ می‌کند، از جمله می‌توان به نکات ذیل اشاره کرد:

اول، همچنانکه پیش‌تر بیان شد، اعلام فهرست محصولات غیر قابل اختلاط با فرآورده‌های نفتی یارانه‌ای، فهرست محصولاتی که کد شناسایی نیاز ندارند و فهرست مشتقات نفتی جامد و نیمه‌جامد قابل اختلاط با فرآورده‌های نفتی یارانه‌ای از وظایف کارگروه است. به خوبی می‌توان دریافت که این صلاحیت تکلیفی کارگروه، نوعاً به مثابه تصمیم اداری در رابطه با احصای مصادیق محصولات مذکور بوده و ماهیت کارشناسی ندارد، بلکه یک عمل وضعی یک‌جانبه و بسان تنظیم‌گری و مقررات‌گذاری (رگولاتوری) است (۹)، بدین‌سان این امر محل تأمل است که آیا کارگروه صرفاً یک مرجع تشخیصی کارشناسی نمی‌باشد؟ اگر پاسخ به این پرسش مثبت باشد، آنگاه این امر با وجاهت قانونی تشکیل کارگروه مطابق با صراحت تبصره ۱ ماده ۲۸ مبنی بر اعلام نظر فنی و کارشناسی، تعارض روشنی پیدا می‌کند و نوعاً خروج موضوعی از فلسفه تأسیس این نهاد اداری دارد، اما اگر پاسخ منفی باشد، تعارض ماهوی اعلام نظر تشخیصی کارگروه با تصمیم اداری به اعلام فهرست محصولات مذکور را چگونه باید توجیه کرد؟ اگر کارگروه صرفاً یک مرجع کارشناسی باشد، آنگاه می‌بایست این‌گونه فهرست‌ها از سوی مقام ذی‌صلاح مقررات‌گذار به ویژه وزارت نفت تصویب و ابلاغ می‌شد، در حالی که افزون بر صلاحیت تشخیصی احراز مواد یارانه‌ای در محصولات، تعیین مصادیق فرآورده‌های نفتی مستثنی از کد شناسایی، مشتقات قابل اختلاط و غیر قابل اختلاط نیز در حیطه اختیارات این کارگروه گذارده شده است.

دوم، یکی از نقاط قابل تأمل در ماهیت نظرات اعلامی کارگروه، عدم انطباق آن با نظام و فرآیند اعلام نظر کارشناسی است. در رسیدگی‌های قضایی، رجوع به کارشناس اعم از اینکه پیش از تشکیل پرونده و استماع دعوی بوده (ماده ۱۰۸ آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور مدنی) و یا پس از آن صورت گیرد (برای نمونه: ماده ۲۵۷ آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور مدنی، ماده ۱۵۵ آیین

دادرسی کیفری، ماده ۷ و تبصره ماده ۶۳ قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری)، مبنای آغاز رسیدگی و دادرسی نمی‌باشد، در حالی که نظر اعلامی کارگروه مسبوق بر تشکیل پرونده و دادرسی مرجع رسیدگی‌کننده و مبنای رسیدگی آن است. به عبارتی روشن‌تر، چنانچه نظر کارگروه مبنی بر مشابهت محموله صادراتی با مواد نفتی یارانه‌ای نباشد، آنگاه موضوع برای تشکیل پرونده و صدور رأی مقتضی به مرجع رسیدگی‌کننده ارجاع نمی‌شود. در واقع دادرسی پرونده‌های قاچاق فرآورده‌های نفتی فرآیندی است که نظر اعلامی کارگروه در ابتدای آن بوده و علت تام آغاز رسیدگی در مراجع ذی‌صلاح می‌باشد، لذا نظر کارگروه نوعاً یک تصمیم اداری به لزوم اعلام جرم - از سوی گمرک - و تشکیل پرونده - در مراجع رسیدگی‌کننده - است که اقدامات اجرایی گمرک و حسب مورد رسیدگی‌های شبه‌قضایی یا قضایی موضوع از سوی مراجع ذی‌صلاح را الزام می‌دارد.

سوم، دو درجه‌ای بودن فرآیند رسیدگی در کارگروه نیز یکی دیگر از دلایلی است که نشان می‌دهد نظر کارگروه نوعاً نظریه کارشناسی نیست. وجود دو درجه بدوی و تجدید نظر در بدنه کارگروه، اختصاص به دادرسی پرونده‌ها داشته و با مراجع قضایی و شبه‌قضایی شباهت پیدا می‌کند (۱۰). کارشناسی امری است که مبتنی بر مراحل است و نه درجات رسیدگی، مراحل کارشناسی حسب رویه قضایی و مبتنی بر حکم ماده ۲۵۸ قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور مدنی، ابتدا توسط یک نفر و سپس به ترتیب در هیأت‌های سه، پنج، هفت، نه و یازده نفره و نهایتاً شورای عالی کارشناسان انجام می‌شود، در حالی که اعلام نظر کارگروه تنها برای یک بار در صورت اعتراض در قالب تجدید نظرخواهی از نظر کارگروه بدوی قابل رسیدگی است و کارگروه تجدید نظر به صورت مرجع عالی و درجه دو عمل می‌کند و نه به عنوان هیأت کارشناسی جایگزین.

چهارم، یکی دیگر از دلایلی که نشان می‌دهد نظر کارگروه، تصمیم اداری می‌باشد اینست که اعلام نظر این مرجع موجب اقدامات اجرایی گمرک، از جمله اخذ تضامین از ذی‌نفع

می‌شود. مطابق ضوابط دستورالعمل، گمرک ملزم است در پی اعلام نظر کارگروه، اقدامات اجرایی زیر را انجام دهد و این امر نشانگر اینست که نظر کارگروه صرفاً یک نظر کارشناسی مشورتی برای مراجع رسیدگی‌کننده به پرونده نیست، بلکه نوعاً تصمیمی است که مبنای اقدامات گمرک قرار می‌گیرد و اجرایی‌ساختن مراتب اداری و آثار قانونی آن برای این دستگاه دولتی الزام‌آور است: ۱- عدم اجازه خروج برخی محموله‌های نفتی که هنوز کارگروه نسبت به آن‌ها اعلام نظر نکرده است (ذیل بند «ج» ماده ۲۴)؛ ۲- اعلام جرم یا تخلف قاچاق در مواردی که نظر کارگروه مطابق با بند «ب» و «پ» ماده ۳۱ باشد (ماده ۳۲)؛ ۳- ابلاغ نظریه اعلامی کارگروه و نتایج آزمون به صاحب کالا (تبصره ماده ۳۲)؛ ۴- اخذ تضمین از صاحب کالا برای محصولی که نسبت به آن اعلام جرم یا تخلف قاچاق شده و صاحب کالا خواهان صادرات قبل از اعلام نظر کارگروه است (ماده ۳۴).

از این مسائل به خوبی برمی‌آید که در اندیشه واضعان دستورالعمل، این مسأله مفروض گرفته شده است که نظر کارگروه به رغم کارشناسی‌بودن، نوعاً جنبه تعیین‌کننده در رابطه با حکم موضوع دارد و تصمیمی اتخاذ می‌کند که ماهیت اداری داشته و آثار اجرایی در پی دارد. اگر به تبصره ۱ ماده ۲۸ دستورالعمل نیز نگریسته شود، تصریح این ماده به اینکه نظرات اعلامی کارگروه «در مراجع رسیدگی‌کننده در خصوص فرآورده و مشتق نفتی مورد استناد خواهد بود» ناظر بر همین مفروض است. به عبارتی روشن‌تر، به نظر می‌رسد واضعان دستورالعمل به خوبی به این مسأله واقف بوده‌اند که عملاً آنچه ماهیت محموله صادراتی نفتی را از حیث مشابهت با مواد نفتی یارانه‌ای مشخص ساخته و مبنای تشکیل پرونده و آغاز دادرسی قرار می‌گیرد، نظر کارگروه است و دادرسی در رسیدگی به پرونده با توجه به فنی‌بودن موضوع، نوعاً مبنای احراز وقوع تخلف یا جرم را حسب مورد همان نظر اعلامی کارگروه قرار می‌دهد (۱۱). بنابراین این مسأله چالشی و قابل تأمل مطرح می‌شود که اگر اعلام نظر کارگروه عملاً قاطع حکم قضیه باشد، آنگاه دادرسی پرونده جنبه صوری و شکلی پیدا می‌کند و این امر با اصول دادرسی منصفانه و اصل

استقلال قاضی در تعارض آشکار است. حال آنکه یقیناً این‌گونه نباید باشد و لازم است با تفسیر و تعبیر درستی از قواعد حقوقی مربوطه و بهینه‌سازی ماهوی نظم هنجاری حقوق اداری در این رابطه، به تحلیل این مسأله در قرائت اصول دادرسی (۱۲) بپردازیم و جایگاه کارگروه را در حد مرجع کارشناسی و فنی صرف محفوظ داریم، به طوری که نظرات اعلامی آن صرفاً ماهیت مشورتی برای دادرسی داشته و به علم قاضی کمک کنند. به هر ترتیب آنچه در حال حاضر عملاً در فرآیندهای رسیدگی به پرونده‌های قاچاق فرآورده‌های نفتی رخ می‌دهد و از مفاد دستورالعمل نیز به خوبی برمی‌آید، اینست که کارگروه برخلاف فلسفه وجودی آن، مرجع تشخیصی با صلاحیت اتخاذ تصمیم اداری در رابطه با کشف مواد نفتی یارانه‌ای در ماهیت فرآورده‌های نفتی صادراتی است. ۲. **دادرسی کیفری و رسیدگی شبه کیفری:** همانطور که بیان شد، متعاقب اعلام نظر کارگروه، گمرک موظف است مراتب تخلف یا جرم قاچاق فرآورده نفتی را به مرجع ذیصلاح برای رسیدگی و صدور حکم مقتضی اعلام نماید؛ در این راستا، گمرک صرفاً در مقام کاشف قرار دارد (۱۳) و نه به عنوان سازمان شاکی (مستنبط از ماده ۳۶ قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز و مطابق با بند دوم صورتجلسه ستاد مبارزه با قاچاق کالا و ارز در بخشنامه شماره ۱۴۰۱/۶۸۱۱۹۱ مورخ ۱۴۰۱/۰۵/۱۸ گمرک جمهوری اسلامی ایران). قانونگذار به منظور تسریع در رسیدگی به این‌گونه پرونده‌ها و پیشگیری از ارتکاب جرم قاچاق کالا و ارز، رییس قوه قضاییه را ملزم به اختصاص شعب ویژه جهت رسیدگی به جرائم قاچاق کالا و ارز نموده است. همچنین سازمان تعزیرات حکومتی را ملزم کرده است که شعب بدوی و تجدید نظر ویژه رسیدگی به تخلفات قاچاق کالا و ارز متشکل از افراد حائز شرایط استخدام قضات مطابق آیین‌نامه مصوب هیأت وزیران تشکیل دهد (ماده ۱۱ قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز).

در حال حاضر رسیدگی به جرائم قاچاق مواد نفتی به صورت سازمان‌یافته و حرفه‌ای و نیز قاچاق فرآورده‌های نفتی ممنوع (مانند مواد نفتی یارانه‌ای) در صلاحیت دادسرا و دادگاه

انقلاب است (ماده ۴۴ قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز). افزون بر این‌ها، این مرجع قضایی به کلیه جرائم قاچاق فرآورده‌های نفتی که به همراه جرائم رشا، ارتشا، جعل، استفاده از سند مجعول، اعمال نفوذ برخلاف حق و مقررات قانونی و یا ترمرد مسلحانه ارتکاب یافته باشند، نیز رسیدگی می‌کند (ماده ۵۰ مکرر ۲ قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز). در غیر این موارد، شعب ویژه رسیدگی به قاچاق کالا و ارز سازمان تعزیرات حکومتی صلاحیت رسیدگی دارد. در ساختار این سازمان، شعب بدوی و تجدید نظر ویژه برای رسیدگی به پرونده‌های قاچاق تشکیل شده‌اند. شعب بدوی ویژه قاچاق کالا و ارز، مراجع تخصصی هستند که رؤسای آن‌ها از میان رؤسا و اعضای شعب سازمان با ابلاغ رییس سازمان منصوب می‌شوند. شعب تجدید نظر متشکل از یک نفر رییس و دو نفر مستشاران بوده و جلسات آن با حضور رییس و حداقل یکی از مستشاران رسمیت می‌یابد که رأی صادره با نظر موافق حداقل دو نفر از اعضا معتبر و لازم‌الاجرا می‌باشد (ماده ۸ آیین‌نامه سازمان تعزیرات حکومتی). از آنجا که سازمان تعزیرات حکومتی به رغم صلاحیت رسیدگی ترافیعی، مرجع قضایی نبوده و در بدنه وزارت دادگستری تعریف شده است (به موجب آیین‌نامه سازمان تعزیرات حکومتی، این سازمان زیر نظر وزیر دادگستری تشکیل [ماده ۱] و رییس آن، معاون وزیر دادگستری می‌باشد که توسط وزیر دادگستری منصوب شده و به تعداد مورد نیاز معاون خواهد داشت [ماده ۲])، لذا به منظور اعمال نظارت قضایی بر پرونده‌های قاچاق در این سازمان، در قانون مقرر شده است که رییس شعب تجدید نظر ویژه رسیدگی به پرونده‌های قاچاق کالا و ارز به پیشنهاد رییس سازمان پس از تأیید وزیر دادگستری از بین «قضات» دارای پایه ۹ قضایی پس از موافقت رییس قوه قضاییه با ابلاغ ایشان منصوب شود (ماده ۴۹ قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز). از میان اعضای شعب ویژه سازمان، تنها رییس شعبه تجدید نظر ویژه مقام قضایی است و رؤسای شعب بدوی ویژه و مستشاران شعب تجدید نظر ویژه از میان مقامات قضایی نیستند (ماده ۱۰ آیین‌نامه سازمان تعزیرات حکومتی).

اینکه قانونگذار قائل به تفکیک «جرم» و «تخلف» قاچاق کالا و ارز شده و رسیدگی به تخلفات قاچاق را در صلاحیت سازمان تعزیرات حکومتی قرار داده است (به موجب ماده ۴۴ قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز، رسیدگی به جرم قاچاق در صلاحیت دادسرا و دادگاه انقلاب است)، به نظر می‌رسد از رویکرد قضازدایی (۱۴) نشأت گرفته باشد (این موضوع در بند «ت» ماده ۱ دستورالعمل جامع امور نمایندگان قوه قضاییه و نظارت بر مراجع شبه قضایی مصوب ۱۳۹۹/۱/۷ منعکس شده است؛ به موجب این بند، «مراجع شبه قضایی در این دستورالعمل مراجع اختصاصی اداری، شبه حقوقی، شبه کیفری، انتظامی یا صنفی است که جهت رسیدگی به صلاحیت، تخلفات، پیشگیری از طرح دعوا در دادگستری، قضازدایی و جرم‌زدایی به موجب قوانین و مقررات ایجاد شده است.» مستنبط از این بند می‌توان دریافت که سازمان تعزیرات حکومتی به عنوان یکی از مراجع شبه قضایی [شبه کیفری]، در راستای قضازدایی، صلاحیت رسیدگی به تخلفات قاچاق کالا و ارز را دارا می‌باشد) که البته درخور تأمل و نقد است، چراکه اولاً با عنایت به مجازات‌های سنگین مندرج در قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز نسبت به این‌گونه تخلفات (برای نمونه بنگرید به موارد ذیل در قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز؛ علاوه بر ضبط کالای قاچاق، جریمه نقدی به میزان یک تا دو برابر ارزش فرآورده نفتی مجاز [بند «الف» ماده ۱۸]؛ جریمه نقدی معادل یک تا سه برابر ارزش فرآورده نفتی مشروط [بند «ب» ماده ۱۸]؛ محرومیت از فعالیت بازرگانی یا ابطال کارت بازرگانی افزون بر حبس تعزیری و جزای نقدی برای واردکنندگان فرآورده‌های نفتی که رفع تعهد ارزی نکرده‌اند [تبصره ۷ ماده ۲ مکرر]؛ توقیف وسیله نقلیه حامل فرآورده نفتی قاچاق [تبصره ۱ ماده ۲۰] یا دارای جاساز [تبصره ۷ ماده ۲۰]؛ ممانعت از فعالیت شخص حقوقی مرتکب قاچاق از یک تا دو سال و در مرتبه دوم انحلال آن [بند «الف» ماده ۶۷]؛ محرومیت از تأسیس شرکت و اداره شخص حقوقی تا پنج سال [تبصره ۱ ماده ۶۷]؛ غیر قابل تخفیف و تعلیق بودن جزای نقدی برای کلیه تخلفات قاچاق [ماده ۷۱]) و ماهیت کیفری

غالب در پرونده‌های مربوطه، ضرورت دارد که مراجع قضایی کیفری صلاحیت رسیدگی به آن‌ها را داشته باشند (به موجب بند ۵ سیاست‌های کلی قضایی مصوب ۱۳۸۲ پیرو نامه شماره ۱/۳۶۸۳ - ۱۳۸۱/۷/۲۹ دفتر مقام معظم رهبری، یکی از وظایف اصلی قوه قضاییه این‌گونه عنوان شده است: «تمرکز دادن کلیه امور دارای ماهیت قضایی در قوه قضاییه با تعریف ماهیت قضایی و اصلاح قوانین و مقررات مربوط بر اساس آن و رسیدگی ماهوی قضایی به همه دادخواهی‌ها و تظلمات») و مراد مقنن در تفکیک جرم و تخلف قاچاق چندان محرز نیست، حتی اگر بخواهیم این تفکیک را بر مبنای اندیشه «تقسیم جرائم بر اساس درجات شدت آن‌ها» در قانون مجازات اسلامی ۱۳۵۲ و با الهام از حقوق کیفری فرانسه (جنایت: Crime، جنحه: Délit و خلاف: Contravention) توجیه کنیم (۱۵)، باز هم نمی‌توان تخلفات موضوع قانون قاچاق کالا و ارز را در زمره مصادیق «خلاف» قلمداد کرد، چراکه تخلفات قاچاق فرآورده‌های نفتی در عداد جرائم کوچک و جزئی قرار نمی‌گیرند و صرفاً مجازات‌های جریمه نقدی نیز را دربر نداشته و آثار و پیامدهای محرومیت از حقوق اجتماعی (مانند محرومیت از اداره و ثبت شرکت تجاری) و اقتصادی (از جمله تعلیق یا ابطال کارت بازرگانی) و دیگر مجازات‌های تبعی (همچون توقیف و ضبط وسیله نقلیه حامل فرآورده نفتی) را در پی دارند. به نظر می‌رسد مقنن از چارچوب مفهومی «قضازدایی» خارج شده است و بخشی از موضوعات مربوط به جرائم قاچاق را که در صلاحیت ذاتی دستگاه قضا می‌باشد به مراجع شبه‌قضایی واگذار کرده است؛ این اقدام بیش از آنکه قضازدایی باشد، بسان «تراکم‌زدایی از پرونده‌های قوه قضاییه» و «تفویض صلاحیت قضا به مراجع غیر قضایی» جلوه می‌کند؛ ثانیاً اگر حتی قائل به تراکم‌زدایی پرونده‌های قضایی باشیم، حداقل لازم است نظارت تام و تفوق قضایی در رسیدگی و صدور رأی نسبت به این‌گونه پرونده‌ها مطابق با روح حاکم بر بند ۸ سیاست‌های کلی قضایی (ابلاغی ۱۳۸۱/۷/۲۹ مقام معظم رهبری) وجود داشته باشد، در صورتی که خلاف این موضوع برقرار است. از یکسو شعب ویژه بدوی از دادرسان غیر قضایی تشکیل شده‌اند و آرای صادره در

مواردی که ارزش محموله نفتی کمتر از دو میلیون تومان باشد، قطعی است و از سوی دیگر، در ترکیب شعب ویژه تجدید نظر تنها یک قاضی (از میان سه دادرس) به عنوان رییس حضور دارد که به جهت لزوم نظر موافق حداقل دو نفر از اعضا در اصدار رأی، تفوق قضایی در رسیدگی و صدور حکم پرونده در این شعب وجود ندارد. پرونده‌های قاچاق فرآورده‌های نفتی مسائل تخصصی و پیچیده‌ای را به همراه دارند که رسیدگی به آن‌ها مستلزم داشتن مهارت فنی، دانش قضایی و تسلط به حقوق کیفری است و چنانچه این امر به غیر مقام قضایی واگذار شود، ممکن است دادرس به دلیل نداشتن تخصص کافی در رسیدگی به آن‌ها، نقش منفعل ایفا کرده و به نظر کارگروه اکتفا کند و یا در بسیاری از موارد استدلال حقوقی نه‌چندان دقیقی از ماهیت موضوع ارائه دهد؛ معضلی که در حال حاضر مبتلابه دادرسی پرونده‌های قاچاق فرآورده‌های نفتی در سازمان تعزیرات حکومتی است.

همچنین با اینکه اعاده دادرسی از سوی شعبه عالی تجدید نظر در ساختار تشکیلات سازمان تعزیرات حکومتی پیش‌بینی شده است، اما این مرجع صلاحیت رسیدگی به آرای قطعی شعب ویژه قاچاق کالا و ارز را دارا نمی‌باشد. توضیح آنکه به موجب تبصره ماده ۲۳ آیین‌نامه سازمان تعزیرات حکومتی «هرگاه محکوم‌علیه و یا رؤسای سازمان‌های تعزیرات حکومتی و بازرسی و نظارت، آرای قطعی شعب تعزیرات را خلاف قانون بدانند می‌توانند با ذکر دلیل از وزیر دادگستری تقاضای رسیدگی مجدد نمایند، چنانچه وزیر دادگستری تقاضا را وارد تشخیص دهد و یا رأساً رأی را غیر قانونی بداند پرونده را جهت رسیدگی به شعبه عالی تجدید نظر که به همین منظور در مرکز تشکیل می‌گردد ارجاع خواهد داد»، اگرچه در ظاهر ماده به نظر می‌رسد که عبارت «آرای قطعی شعب تعزیرات» اطلاق داشته و شامل آرای قطعی شعب ویژه نیز می‌باشد، اما هیأت عمومی دیوان عدالت اداری، تسری مفاد این تبصره را به آرای قطعی صادره از شعب تجدید نظر ویژه قاچاق کالا و ارز، مغایر ضوابط قانونی اعلام کرده است (دادنامه شماره ۱۹۶۲ مورخ ۱۳۹۷/۱۰/۲۵ هیأت عمومی دیوان عدالت اداری). بنا به استدلال دیوان، از آنجا که رییس شعبه تجدید نظر ویژه، مقام

قضایی است و به قرینه تبصره ۲ ماده ۵۰ قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز امکان اعتراض از آرای اصداری آن مرجع در دیوان و سایر مراجع قضایی وجود ندارد، لذا آرای این شعبه قابل اعتراض در شعبه عالی تجدید نظر نیست. فارغ از انتقادات ماهوی که به این رأی هیأت عمومی دیوان می‌توان وارد آورد (از جمله اینکه قضایی‌بودن رییس شعبه تجدید نظر به معنای قضایی‌بودن رأی آن و تفوق قضایی بر رسیدگی و صدور حکم از سوی این مرجع نمی‌باشد. همچنین از این موضوع که دیوان و سایر مراجع قضایی صلاحیت رسیدگی به اعتراض از آرای این شعب را ندارد نمی‌توان نتیجه گرفت که شعبه عالی تجدید نظر که مرجع قضایی نیست نیز فاقد چنین صلاحیتی است، افزون بر اینکه نص صریح تبصره ماده ۲۳ آیین‌نامه سازمان تعزیرات حکومتی بر وجود چنین صلاحیتی غلبه دارد)، به نظر می‌رسد که این تفسیر دادرسی از حکم تبصره ماده ۲۳ آیین‌نامه مذکور با حق بر اعاده دادرسی در تقابل آشکار است، چراکه با این حکم دیوان، امکان اعتراض از رأی قطعی شعب ویژه در شعبه عالی وجود ندارد و از طرفی با توجه به اینکه ماده ۴۷۷ قانون آیین دادرسی کیفری امکان اعاده دادرسی را تنها نسبت به «رأی قطعی صادره از هریک از مراجع قضایی» فراهم آورده و سازمان تعزیرات حکومتی هم همان‌گونه که بیان شد، مرجع غیر قضایی است، لذا حق مذکور از این طریق نیز قابلیت استیفا ندارد.

به همین منظور، قانونگذار در اصلاح قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز در سال ۱۴۰۱، ضمن الحاق یک ماده قانونی جدید، مقرر نمود که «در صورتی که رییس قوه قضاییه رأی قطعی صادره از شعبه ویژه رسیدگی به قاچاق کالا و ارز سازمان تعزیرات حکومتی را خلاف شرع بین تشخیص دهد، با تجویز اعاده دادرسی، پرونده را به دیوان عالی کشور ارسال تا در شعبی خاص که توسط رییس قوه قضاییه برای این امر تخصیص می‌یابد رسیدگی و رأی قطعی صادر نماید. شعب خاص مذکور مبنیاً برخلاف شرع بین اعلام شده، رأی قطعی قبلی را نقض و رسیدگی مجدد اعم از شکلی و ماهوی به عمل می‌آورند و رأی مقتضی صادر می‌نمایند.» این اقدام مقنن گام مؤثری در

راستای تضمین حق بر اعاده دادرسی کیفری پرونده‌های قاچاق فرآورده‌های نفتی در یک مرجع قضایی عالی است، با این حال نکات قابل نقدی را به همراه دارد، از جمله اینکه درخواست اعاده دادرسی کیفری در دیوان عالی کشور مطابق با آخرین تعرفه خدمات قضایی (۱۴۰۱ ش.) پنجاه هزار تومان تعیین شده است، در حالی که به منظور طرح این درخواست در خصوص پرونده‌های قاچاق کالا و ارز باید معادل ۲ درصد جریمه نقدی مندرج در حکم صادره از سوی شعبه ویژه را نزد صندوق دادگستری تودیع نمود که در صورت تجویز اعاده دادرسی، مبلغ مذکور مسترد می‌گردد و در غیر این صورت، به عنوان درآمد عمومی دولت محسوب و به حساب خزانه‌داری کل کشور واریز می‌شود (تبصره ۱ ماده ۵۰ مکرر ۳ قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز)؛ بدیهی است که جریمه‌های مربوط به پرونده‌های قاچاق فرآورده‌های نفتی با توجه به حجم و قیمت محموله‌ها اغلب به طور قابل توجهی هنگفت می‌باشند و معلوم نیست به چه دلیل باید ۲ درصد آنکه رقم بسیار بیشتری از ۵۰ هزار تومان می‌شود (شاید چند ده برابر یا حتی چند هزار برابر!) به عنوان هزینه اعاده دادرسی این‌گونه پرونده‌ها متمایز از دیگر پرونده‌های کیفری پرداخت شود، به نظر می‌رسد این امر با عدالت کیفری و حق بر دادخواهی همسو نمی‌باشد.

به هر ترتیب، با توجه به اینکه نقاط قابل نقد متعددی در دادرسی پرونده‌های قاچاق فرآورده‌های نفتی در سازمان تعزیرات حکومتی وجود دارد، لذا لازم است از بسترهای قانونی موجود در راستای تقویت ابعاد حق بر دادخواهی استفاده ببریم:

اول، از آنچه که نظر کارگروه، جنبه کارشناسی داشته و در صدور حکم قضیه طریقت دارد، بنابراین نباید به صرف نظر کارگروه بدوی یا تجدید نظر قائل به کشف مواد یارانه‌ای در محموله صادراتی نفتی شده و بر مبنای آن اقدام به صدر حکم قضیه نمود، بلکه باید از سازوکارهای حقوقی دیگر در جهت تقویت علم دادرسی پرونده در سازمان تعزیرات حکومتی برای تعیین حکم قضیه یاری جست. ممکن است نظر کارگروه به

هر دلیلی خلاف واقع بوده یا از حیث قانونی مخدوش باشد؛ چنانچه کارگروه نظر خود را ظرف مدت زمانی مقرر اعلام نکند (مواد ۲۷ و ۳۸ دستورالعمل) یا اسناد غیر معتبری را مستند نظر خود قرار دهد (ماده ۳۰ دستورالعمل) و یا آیین و تشریفات رسیدگی به اعتراض ذی‌نفع را رعایت نکند، نظر این مرجع از حیث رعایت ضوابط قانونی فاقد اعتبار خواهد بود. به عنوان مثال، اگر کارگروه نظر خود را مبنی بر مشابهت محموله نفتی با مواد یارانه‌ای خارج از بازه زمانی قانونی اعلام نموده باشد، فارغ از صدماتی که این موضوع به امر تجارت و برنامه‌ریزی‌های کلان بازرگانی شرکت ذی‌نفع به طور خاص و کشور به طور کلی وارد می‌آورد، ممکن است موضوع کاملاً خلاف واقع باشد؛ توضیح آنکه، اطاله زمانی بررسی نمونه‌ها از سوی کارگروه می‌تواند به سبب وضعیت خاص نگهداری آن‌ها و فعل و انفعالاتی که در فرمولاسیون آن‌ها رخ می‌دهد موجب تغییر در ماهیت آن‌ها شده و با مواد یارانه‌ای نفتی مشابهت یابند و کارگروه نظر خود را بر پایه شواهد و قرائن ظاهری خلاف واقع اعلام کند. برای نمونه ممکن است گمرک مدعی باشد که بنا به نظریه کارگروه استاندارد، روغن فرآیند لاستیک گرید ۱۸ (MPO) که توسط یک شرکت (متهم) اظهار شده است، ۴۰ درصد مشابهت با نفت‌گاز یارانه‌ای دارد، در حالی که مکان نگهداری نمونه شاهد نامناسب بوده و از طرفی به دلیل ریزش و دمای زیاد هوا، نمونه کاملاً از بین رفته، به نحوی که عملاً امکان بررسی به اعتراض متهم از نظریه کارگروه میسر نباشد؛ با توجه به اینکه بر اساس بخشنامه شماره ۲۱۷/۹۷/۷۶۵۳۸۶ مورخ ۱۳۹۷/۶/۲۷ می‌بایست مکان نگهداری نمونه کمتر از ۲۵ درجه و دور از تابش نور خورشید و گرما و... باشد که در مثال مذکور، این مهم توسط گمرک رعایت نشده و به نوعی موجب تضییع حقوق دولت و متهم شده است (تبصره‌های ۷ و ۸ ماده ۲۶ دستورالعمل)، به دلیل وجود مراتب شک و تردید نسبت به ورود اتهام انتسابی، ادعای گمرک اثبات نشده و امکان مجازات شخص وجود ندارد. به هر ترتیب، بازه زمانی قانونی رسیدگی کارگروه به دلایل مهمی - همچون عدم اخلال در فرآیند فعالیت بازرگانی شرکت‌های پالایشی و پتروشیمی و رعایت بازه زمانی معقول در بازرسی

ماهیت نمونه‌ها مطابق با استانداردهای نگهداری و عدم تغییر در ماهیت آن‌ها - تعیین شده است و نقض تشریفات آن از سوی کارگروه، صحت و واقع‌گرایانه‌بودن نظر آن را محل تردید جدی قرار می‌دهد.

برای این منظور به طور اکید پیشنهاد می‌شود که دادرس سازمان تعزیرات حکومتی در رابطه با نمونه‌های فرآورده‌های نفتی که کارگروه بدوی یا تجدید نظر نسبت به آن‌ها مشابهت با مواد یارانه‌ای اعلام کرده‌اند، صرفاً به نظر کارگروه مزبور اکتفا نکرده و برای روشن‌ترشدن حقیقت موضوع، بررسی مجدد امر را به کارگروه دیگری به عنوان کارشناس جایگزین به منظور انجام کارشناسی مجدد نمونه‌ها واگذار نماید؛ این امر با قواعد کلی کارشناسی در آیین‌های دادرسی کاملاً همسو و موافق با عدالت کیفری است و هیچ منع قانونی ندارد. مطابق تبصره ۱ ماده ۲۸ دستورالعمل، رسیدگی کارشناسی در خصوص ماهیت مشتقات نفتی در صلاحیت کارگروه قرار گرفته است و شمول کلی حکم این ماده مانع از ارجاع مجدد موضوع به کارگروه جایگزین نمی‌باشد. در حقیقت، این ماده ابزار کارشناسی را برای دادرس فراهم آورده است و محدودیتی برای استفاده از نظر کارشناسی چند کارگروه ایجاد نکرده است. دادرس می‌تواند دستور دهد که نمونه شاهد به کارگروه دیگری برای اعلام نظر مجدد ارسال شود. بدیهی است که اعلام نظر کارگروه از سوی گمرک به سازمان تعزیرات حکومتی، فرآیند رسیدگی یکسویه نیست که دادرس نتواند مجدداً برای اخذ نظر کارشناسی از امکان موجود در تبصره ۱ ماده ۲۸ دستورالعمل استفاده بکند.

دوم، لازم است در خصوص تعیین ماهیت نمونه‌ها از نظر کارشناس رسمی دادگستری نیز بهره گرفته شود. به رغم اینکه حسب حکم تبصره ۳ ماده ۴۷ قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز، نمی‌توان کارشناسی «تعیین ارزش» فرآورده نفتی را به کارشناس رسمی دادگستری محول نمود (به موجب تبصره ۳ ماده ۴۷ این قانون: «کارشناسی موضوع این ماده و تبصره‌های آن قابل ارجاع به کارشناس رسمی دادگستری نیست»)، اما این امر ناظر بر «تعیین ماهیت» آن از حیث مشابهت یا عدم مشابهت با مواد یارانه‌ای نیست. ماده ۴۷ این

قانون مقرر می‌دارد: «شعبه رسیدگی‌کننده مکلف است جهت اتخاذ تصمیم درباره احراز قاچاق و یا حمل، نگهداری، عرضه یا فروش کالا یا ارز قاچاق نسبت به استعلام نظر کارشناسی مشورتی حسب مورد از سازمان‌های مأمور وصول درآمدهای دولت نظیر گمرک و بانک مرکزی در مورد تعیین ارزش کالا یا ارز مکشوفه و بررسی اسناد ابرازی جهت انطباق و تعلق به کالای مکشوفه اقدام نماید. وقت رسیدگی به سازمان‌های مذکور و متهم ابلاغ می‌شود.» مطابق با حکم این ماده، اخذ نظر کارشناسی سازمان‌های مذکور، از جمله گمرک و بانک مرکزی، تنها در رابطه با تعیین ارزش کالای مکشوفه بوده و این امر منصرف از کارشناسی ماهیت کالای مزبور می‌باشد که علی‌القاعده (مستنبط از ماده ۱۵۶ قانون آیین دادرسی کیفری) از طریق ارجاع امر به کارشناس رسمی دادگستری تحصیل می‌گردد، حتی در خصوص «تعیین ارزش» فرآورده نفتی نیز دادرس تعزیرات حکومتی نباید صرفاً به نظر گمرک اکتفا کند و از آنجا که نظر این مرجع در این خصوص کارشناسی مشورتی است، چنانچه ذی‌نفع نسبت به آن معترض باشد، موضوع باید برای اعلام نظر کارشناسی دیگر به «کمیسیون رسیدگی به اختلافات گمرکی» ارجاع شود (مستنبط از ماده ۱۴۴ قانون امور گمرکی و مطابق با بند سوم صورتجلسه ستاد مبارزه با قاچاق کالا و ارز در بخشنامه شماره ۱۴۰۱/۶۸۱۱۹۱ مورخ ۱۴۰۱/۵/۱۸ گمرک جمهوری اسلامی ایران).

۳. دادرسی اداری: از آنجا که دیوان عدالت اداری مطابق با روح حاکم بر اصل ۱۷۳ قانون اساسی، مرجع قضایی اختصاصی رسیدگی به شکایت شهروندان از تصمیمات و اقدامات دولتی می‌باشد (۱۶) و از طرفی، سازمان تعزیرات حکومتی نیز در بدنه دولت (وزارت دادگستری) تعریف شده است، بنابراین اصولاً آرای قطعی صادره از شعب این سازمان که ماهیت غیر قضایی داشته و تصمیم اختصاصی اداری تلقی می‌شوند (۱۷)، قابل اعتراض در شعب دیوان می‌باشد (مستنبط از حکم بند ۲ ماده ۱۰ قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری ۱۳۹۲ ش.). این امر در بطن استدلال هیأت

عمومی دیوان نیز کاملاً مشهود است: «... نظر به اینکه ... سازمان تعزیرات حکومتی از اجزای قوه مجریه می‌باشد و شعب تعزیرات حکومتی در زمره مراجع اختصاصی اداری قرار دارند و در عداد مراجع قضایی ... محسوب نمی‌شوند، بنابراین آرای قطعی شعب مزبور ... قابل اعتراض و رسیدگی در دیوان است...» (رای شماره ۲۵۲ مورخ ۱۳۸۰/۸/۱۳ هیأت عمومی دیوان عدالت اداری) در این رابطه اصولاً نباید میان شعب عادی و ویژه تعزیرات حکومتی قائل به تفاوت بود؛ با این حال، قانونگذار در قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز در سال ۱۳۹۳، دیوان را صالح به رسیدگی به اعتراض نسبت به آرای قطعی شعب ویژه تعزیرات حکومتی ندانسته و از این رو، دادرسی اداری را از فرآیند رسیدگی به پرونده‌های تخلفات قاچاق فرآورده‌های نفتی حذف کرد. این موضوع در رأی اخیر هیأت عمومی دیوان نیز تصریح شده (رای شماره ۱۷۷۵ مورخ ۱۳۹۹/۱۱/۲۸ هیأت عمومی دیوان عدالت اداری) و در بازنگری قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز در سال ۱۴۰۱ نیز به قوت خود باقی مانده است (تبصره ۲ ماده ۵۰ قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز: «آرای صادره از شعب تعزیرات حکومتی در مورد پرونده‌های قاچاق کالا و ارز قابل اعتراض در دیوان عدالت اداری و سایر مراجع قضایی نیست»).

با این وجود، علت اینکه چرا قانونگذار میان شعب عادی و ویژه تعزیرات حکومتی قائل به تمیز شده و رسیدگی به اعتراض نسبت به رأی قطعی صادره از سوی شعبه ویژه را برخلاف شعبه عادی در صلاحیت دیوان عدالت اداری ندانسته است، معلوم نیست. شعب ویژه همچون شعب عادی به عنوان بخشی از بدنه سازمان تعزیرات حکومتی، ماهیتاً مراجع اختصاصی اداری بوده و رأی قضایی صادر نمی‌کنند. از طرفی، همانطور که پیش‌تر بیان شد، رییس شعبه ویژه بدوی، مقام قضایی نبوده و در شعبه تجدید نظر ویژه نیز که مقام قضایی ریاست آن را بر عهده دارد، تفوق قضایی برقرار نیست، لذا بر اساس اصول کلی حقوق اداری (۱۸) نیز نمی‌توان رأی قطعی صادره از شعب ویژه را مشمول اعتبار امر مختومه قرار داده و مرجع قضایی را صالح به رسیدگی به اعتراض از این آرا ندانست. از

این رو حکم قانون به خروج صلاحیتی شعب دیوان عدالت اداری از این موضوع، درخور تأمل و قابل نقد است.

با عنایت به اینکه حق بر دادخواهی مستلزم حق شکایت ذی‌نفع از تصمیمات و اقدامات اداری در مراجع قضایی - به عنوان مرجع اصلی و بی‌طرف حمایت از حقوق اشخاص - است (۱۹)، لذا باید سازوکارهای امکانی صلاحیت دیوان عدالت اداری در رسیدگی به اعتراض ذی‌نفع در پرونده‌های قاچاق فرآورده نفتی را مد نظر قرار داد. صرف نظر از صلاحیت دیوان در رسیدگی به اعتراض از آرای شعب ویژه تعزیرات حکومتی، لازم است به بحث از صلاحیت دیوان در رسیدگی به اعتراض ذی‌نفع از نظریه اعلامی کارگروه نیز بپردازیم. نظر اعلامی این مرجع، مقدمه تشکیل پرونده قاچاق فرآورده نفتی نزد مراجع رسیدگی‌کننده می‌باشد و به نظر می‌رسید که چنانچه این نظر در دیوان عدالت اداری ابطال شود، کل فرآیند رسیدگی به پرونده قاچاق متوقف می‌شود. پیش‌تر بیان شد که با توجه به مفاد دستورالعمل و نیز رویه عملی فعالیت کارگروه، این مرجع تصمیم اداری اتخاذ می‌نماید، لذا به حکم بند ۱ ماده ۱۰ قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری ۱۳۹۲ نظرات آن در شمول صلاحیت شعب دیوان عدالت اداری قرار می‌گیرد. همچنین به موجب ماده ۶۴ این قانون، «در مواردی که به موجب قانون یا مصوبه‌ای لازم‌الاجرا، تشخیص موضوعاتی از قبیل صلاحیت‌های علمی، تخصصی، امنیتی و گزینشی به عهده کمیسیون یا هیأت‌هایی واگذار شده باشد، شعب دیوان فقط از جهت رعایت ضوابط قانونی و تطبیق موضوع و فرآیند بررسی آن بر اساس قانون یا مصوبه رسیدگی می‌کنند و در صورت شکایت شاکی از حیث تشخیص موضوع، شعبه رسیدگی‌کننده موظف است حسب مورد پس از ارجاع پرونده به هیأت کارشناسی تخصصی ذی‌ربط که توسط شعبه تعیین می‌گردد، با کسب نظر آنان، مبادرت به انشای رأی نماید.» با توجه به اینکه حسب احکام دستورالعمل - به عنوان مصوبه لازم‌الاجرا - کارگروه داری صلاحیت تشخیصی تخصصی در رابطه با تعیین ماهیت مشتقات نفتی می‌باشد، لذا بنا به نص صریح این ماده، شعب دیوان صلاحیت رسیدگی به اعتراض ذی‌نفع نسبت به نظریه اعلامی کارگروه را دارا می‌باشند و در

صورت شکایت شاکی از حیث تشخیص موضوع، نظر هیأت کارشناسی تخصصی در رابطه به موضوع شکایت اخذ می‌شود.

با این حال، حسب استعلام معاون قضایی دادستان کل کشور از دیوان عدالت اداری در رابطه با این مسأله که «آیا اعتراض به نظرات کارگروه مزبور در صلاحیت دیوان عدالت اداری است یا خیر؟»، پاسخ کمیسیون اداری، استخدای و فرهنگی دیوان به این سؤال منفی بود (نظر مشورتی شماره ۱۴۰۱/۲/۴ مورخ ۹۰۰۰/۲۰۰/۱۷۷۲۴/۲۰۰ کمیسیون اداری، استخدای و فرهنگی دیوان عدالت اداری). استدلال کمیسیون مذکور اینست که «نظر کارگروه ... کارشناسی است که فی‌نفسه ماهیت اجرایی ندارد و مبنای تصمیم‌گیری در مراجع رسیدگی‌کننده دیگری از قبیل دادگاه‌ها، دادسرا یا شعب سازمان تعزیرات حکومتی قرار می‌گیرد.» حال آنکه این موضوع از چند جهت در خور نقد است. اول، اینکه برخلاف نظر کمیسیون، نظر کارگروه همانطور که قبلاً به تفصیل بیان شد فی‌نفسه ماهیت اجرایی داشته و گمرک ملزم به انجام اقدامات اداری نظیر اعلام تعلیق تسهیلات گمرکی، ممانعت از خروج محموله‌های صادراتی، ابلاغ مراتب لزوم پرداخت وجه مابه‌التفاوت، عدم ارائه خدمات و تسهیلات گمرکی و ابطال اظهارنامه صادراتی می‌باشد؛ دوم، نظریه اعلامی کارگروه بنا به نص صریح تبصره ۱ ماده ۲۸ دستورالعمل، در مراجع رسیدگی‌کننده مورد «استناد» قرار می‌گیرد (تبصره ۱ ماده ۲۸ دستورالعمل مقرر می‌دارد: «... صرفاً نظرات اعلامی آن کارگروه در مراجع رسیدگی‌کننده در خصوص فرآورده و مشتق نفتی مورد استناد خواهد بود») و نه اینکه «مبنای» تصمیم‌گیری آنان باشد و از سوی دیگر متضمن اقدامات اجرایی گمرک است، لذا ماهیتاً تصمیم اداری مستقلاً است که می‌تواند موضوع شکایت ذی‌نفع در دیوان عدالت اداری قرار گیرد؛ سوم، در استعلام به عمل آمده از دیوان عدالت اداری در این رابطه، درست‌تر آن بود که به جای ارجاع موضوع به «کمیسیون اداری، استخدای و فرهنگی»، از «کمیسیون صلاحیت و آیین دادرسی دیوان» برای اعلام نظر مشورتی بهره گرفته می‌شد، چراکه از یکسو، سؤال اصلی این استعلام را بحث از «صلاحیت» دیوان در رسیدگی به نظریه اعلامی

نتیجه‌گیری

قواعد دستورالعمل به نحوی تدوین شده است که موجب می‌شود نظرات اعلامی کارگروه تعیین ماهیت، به رغم کارشناسی‌بودن نوعاً ماهیت تصمیم اداری داشته و آثار اجرایی در پی دارد؛ با عنایت به رویه عملی موجود، دادرس تعزیرات حکومتی در رسیدگی به پرونده با توجه به فنی‌بودن موضوع، عمدتاً مبنای احراز وقوع تخلف یا جرم را حسب مورد همان نظر اعلامی کارگروه قرار می‌دهد که با اصول دادرسی منصفانه و اصل استقلال قاضی در تعارض آشکار است، لذا لازم است جایگاه کارگروه را در حد مرجع کارشناسی و فنی صرف محفوظ داریم، به طوری که نظرات اعلامی آن صرفاً ماهیت مشورتی برای دادرس داشته و به علم قاضی کمک کنند. همچنین تأکید می‌شود که دادرس تعزیرات حکومتی در مقام کشف و تحقیق موضوع از سازوکارهای کارشناسی مجدد به طریق ارجاع موضوع به کارگروه جایگزین و کارشناس رسمی دادگستری حسب مورد اقدام کند و صرفاً نظر کارگروه را ملاک احراز وقوع تخلف و جرم قرار ندهد. از طرفی نظارت عالی‌ه قوه قضاییه بر رسیدگی به پرونده‌های قاچاق فرآورده‌های نفتی اقتضا می‌کند که به دلیل عدم تفوق قضایی در رسیدگی تعزیرات حکومتی در این رابطه، ترکیب شعب بدوی و تجدید نظر ویژه تغییر کرده و صرفاً از میان مقامات قضایی برگزیده شوند، افزون بر این، با توجه به ماهیت تصمیم اتخاذی کارگروه، امکان اعتراض به نظرات اعلامی این مرجع در شعب دیوان عدالت اداری فراهم شود. تمامی این موارد، بنیان‌ها و اقتضائات ضروری حق بر دادخواهی متهم این‌گونه پرونده‌ها را تشکیل می‌دهند که لازم است از سوی مسئولان و مجریان قانون رعایت شوند.

مشارکت نویسندگان

آرین پتفت: نگارش و تقریر مقاله.

حامد کاویانی: نظریه‌پردازی و تحلیل مقاله.

نویسندگان نسخه نهایی را مطالعه و تأیید نموده و مسئولیت پاسخگویی در قبال پژوهش را پذیرفته‌اند.

کارگروه تشکیل می‌دهد و نه بررسی «اداری» ماهیت این نظریه و از سوی دیگر، به دلیل جنبه تخصصی موضوع از حیث امکان سنجی فرجام‌خواهی از نظر این مرجع نزد دیوان عدالت اداری و تحلیل آیین دادرسی اداری، کمیسیون اخیرالذکر به مراتب تخصص و اشراف بیشتری بر آن داشت.

با عنایت به این توضیحات، مقاله حاضر قائل به این امر است که نظریه اعلامی کارگروه قابل اعتراض در شعب دیوان عدالت اداری است. شایان ذکر است که عدم تجدید نظرخواهی، ذی‌نفع از نظر کارگروه بدوی در مهلت تجدید نظرخواهی، سالب حق دادخواهی وی از تصمیم کارگروه به دیوان عدالت اداری نمی‌باشد، چراکه از یک سو هیچ‌گونه وجه تمایزی میان ماهیت کارگروه با سایر مراجع اداری تشخیصی وجود ندارد که بتوان فرضاً بر مبنای آن این‌گونه استدلال کرد که چون ذی‌نفع در کارگروه تجدید نظر از نظر اعلامی اعتراض نکرده است دیگر نمی‌تواند نسبت به نظر کارگروه در دیوان عدالت اداری اعتراض کند. از سوی دیگر با وحدت ملاک از رأی وحدت رویه اخیرالصدور هیأت عمومی دیوان عالی کشور (مطابق با رأی وحدت رویه شماره ۸۱۹ مورخ ۱۴۰۱/۱/۱۶ هیأت عمومی دیوان عالی کشور اگر محکوم‌علیه در دعاوی حقوقی که به استناد ماده ۳۶۷ قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور مدنی، حق فرجام‌خواهی دارد به نحوی از انحاء، حق تجدید نظرخواهی خود را اسقاط نماید، همچنان حق فرجام‌خواهی برای ایشان محفوظ خواهد ماند و مرجع رسیدگی‌کننده نمی‌تواند به استناد اسقاط حق تجدید نظرخواهی، درخواست فرجام‌خواهی را مسموع نداند) می‌توان این‌گونه استنباط کرد که همانطور که فرجام‌خواهی با اسقاط حق تجدید نظرخواهی حتی قبل از انقضای مهلت تجدید نظرخواهی قابل پذیرش است، اعتراض از نظریه اعلامی کارگروه حتی قبل از انقضای مهلت تجدید نظرخواهی در کارگروه تجدید نظر، نزد دیوان عدالت اداری قابل پذیرش است، چه برسد به آنکه تصمیم کارگروه بدوی به دلیل عدم تجدید نظرخواهی قطعی شده باشد.

تشکر و قدردانی

ابراز نشده است.

تضاد منافع

نویسندگان هیچ‌گونه تضاد منافع احتمالی را در رابطه با تحقیق، تألیف و انتشار این مقاله اعلام نکرده‌اند.

تأمین مالی

نویسندگان اظهار می‌نمایند که هیچ‌گونه حمایت مالی برای تحقیق، تألیف و انتشار این مقاله دریافت نکرده‌اند.

ملاحظات اخلاقی

در پژوهش حاضر جنبه‌های اخلاقی مطالعه کتابخانه‌ای شامل اصالت متون، صداقت و امانتداری رعایت شده است.

References

1. Shiravi AH. Oil and Gas Laws. Tehran: Mizan; 2021. [Persian]
2. Mousavi SH. Legal analysis of the service contract model in the upstream sector of Iran's oil and gas industry. Tehran: Ganj-e Danesh; 2019. [Persian]
3. Amirrahimi H, Hosseini SS, Noorani SMS, Mohammadi T, Safarzadeh E. Investigating the Privatization of Iran's Oil Refinery Industries with DID (Fuzzy) Approach. Iranian Energy Economics. 2021; 10(37): 11-35. [Persian]
4. Eaton T. Theft and smuggling of petroleum products. The Routledge Handbook of Smuggling. London: Routledge; 2021.
5. Connerty A. Dispute Resolution in the Oil and Gas industries. Journal of Energy & Natural Resources Law. 2002; 20(2): 144-171.
6. Zahar A. Legal Aid, Self-Representation and the Crisis at the Hague Tribunal. Criminal Law Forum. 2008; 19(1): 11-22.
7. Salari M. The New Model of Iran's Oil Contracts from the Perspective of the Constitution. Tehran: Daddgostar; 2019. [Persian]
8. Shibani A, Gholamreza M. An introduction to the concept of diagnostic competence and the requirements of judicial supervision of the Court of Administrative Justice on the diagnostic competence of specialized administrative authorities. Administrative Law Quarterly. 2020; 8(26): 111-129. [Persian]
9. Petoft A. The evolution of government intervention in the economy from the perspective of public law, welfare to post regulatory governments. The Quarterly Journal of Public Law Research. 2015; 17(47): 190-198. [Persian]
10. Shams A. Civil Procedure Code of the Fundamental Period. Tehran: Derak; 2021. [Persian]
11. Noumandani P, Akbari M, Baziar N. An overview of the jurisdiction of government punishments in dealing with cases of goods and currency smuggling. The first National Conference on Law, Jurisprudence and Culture. 2019; 1(3): 97-103. [Persian]
12. Petoft A. Concept and scope of the general principles of administrative law and referring possibility in the judicial procedure. Tehran: The Judiciary Research Institute 2016. [Persian]
13. Walidi MS. A Look at the Legal Gap and Practical Shortcomings of Laws and Regulations Regarding Smuggling Goods and Currency. Journal of International Legal Research. 2016; 1(1): 179-206. [Persian]
14. Berlemann M, Christmann R. Disposition time and the utilization of prior judicial decisions: Evidence from a civil law country. International Review of Law and Economics. 2020; 62(2): 87-105.
15. Abzalova KM. Subject of a Crime Under French Criminal Legislation. The American Journal of Political Science Law and Criminology. 2021; 3(01): 63-68.
16. Abbasi M, Petoft A. Citizenship rights, from Principles to social Platform. Tehran: Legal Publishers; 2017. [Persian]
17. Emami M, Ostovar-Sangri K. Administrative Law. Tehran: Mizan; 2021. [Persian]
18. Petoft A. The concept and instances of general principles of administrative law: Towards a global administrative law. Cuestiones Constitucionales. 2020; 3(42): 309-355.
19. Abbasi M, Petoft A. Citizenship Rights: From Good Governance to Administrative Procedures. Tehran: Justice Publication; 2017. [Persian]